

# راز محبوبیت حاج قاسم

احمد معتمدی

رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر



حاج قاسم سلیمانی برای من یک انسان برجسته و عاشق وطن بود. او یکی از مهمترین چهره‌هایی است که در این سال‌ها به لحاظ مسئولیت‌های مختلفی که در دولت داشتم، می‌شناختم. بنده بسیار علاقه‌مند به روحیه جهادی ایشان بودم و از نظرم یکی از ویژگی‌های مثبت سردار سلیمانی این بود که اهل مدارا

و بسیار خوش اخلاق بودند. همین سازش و تعامل ایشان موجب شد که همه اقشار جامعه در مراسم تشییع پیکرشان حضور داشته باشند. این مراسم باشکوه برای من یک اتفاق جدید بود، گرچه ما زمان رحلت حضرت امام (ره) هم شاهد حضور میلیونی مردم بودیم، اما باید تأکید کنم که امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی و رهبر مردم بودند و ما توقع یک مراسم باشکوه را داشتیم. نکته مهم در مراسم حاج قاسم این بود که ایشان یک فرمانده سپاه بودند و چطور یک فرمانده این همه محبوبیت دارد؟ این محبوبیت از کجا می‌آید و چرا مردم این چنین در سوگ سردار سلیمانی سوختند؟ آیا صرفاً به خاطر ویژگی‌های نظامی، مردم سردار سلیمانی را دوست داشتند و یا عوامل دیگری هم وجود دارد؟ من بعد از مراسم به این موضوعات بسیار فکر کردم و حتی با دوستان دانشگاهی هم حرف زدم و به این نتیجه رسیدم که مجموعه ویژگی‌های اخلاقی او بوده که این محبوبیت را به وجود آورده است. یکی از مهمترین ویژگی سردار سلیمانی این بود که خودش را سرباز وطن می‌دانست. مردم هر کشوری و البته مردم ایران به سربازان وطن احترام می‌گذارند و آنها را دوست دارند. مردم می‌دانند که این افراد برای امنیت آنها تلاش می‌کنند و سردار سلیمانی هم بدون هیچ چشمداشتی از ایران و ایرانی محافظت می‌کرد. او برای امنیت مردم جانش را بارها و بارها به خطر انداخت.

همین چند سال پیش بود که خبرهایی از داعش منتشر شد که این گروه تروریستی تا نزدیکی‌های مرز ایران هم آمده است. مردم نگران بودند و برخی‌ها در شبکه‌های اجتماعی وضعیت کشور را خطرناک توصیف کردند. این درحالی بود که سردار سلیمانی بدون هیچ سروصدایی شخصاً با داعش جنگید و در براندازی آن نقش برجسته‌ای داشت و تازه بعد از براندازی داعش بود که خیلی‌ها نام سردار سلیمانی را شنیدند. موضوع مهم دیگر اخلاق و فروتنی سردار سلیمانی بود. او هیچ وقت با غرور با مردم صحبت نمی‌کرد. شما مصاحبه‌ها و یا سخنرانی‌هایشان را که ببینید متوجه می‌شوید حاج قاسم سلیمانی یک اخلاق خوش داشت. وقتی در جمع مردم بود، انگار نه انگار این بزرگترین فرمانده نظامی است که با مردم سخن می‌گوید. حتی سردار سلیمانی با منتقدین خودش و حکومت با صبوری برخورد می‌کرد. موضوع دیگر این بود که ایشان به وصیت حضرت امام عمل کردند و وارد امور سیاسی نشدند. سردار سلیمانی روی این موضوع بسیار تأکید داشتند. چرا که می‌دانستند مسائل سیاسی حاشیه دارد و دنیای سیاست دنیای دیگری است. مسأله دیگر عدم ورود به مسائل اقتصادی است. این هم برایشان خط قرمز بود و حاج قاسم همیشه خود را یک نظامی می‌دانست. او خود را سربازی می‌دانست که باید برای میهن فداکاری کند. همه این عوامل دست به دست هم داد تا ایشان به چنین جایگاهی دست پیدا کنند. این موضوعات بسیار مهم است و می‌تواند برای همه مسئولان حکومت یک الگو باشد.

# درستایش سرباز جهان وطن

حسین میرزایی

مردم‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



از روزگاران بسیار کهن، یکی از آرزوهای انسان رسیدن به مقام «جاودانگی» بوده و همواره برای غلبه بر این نامیرایی به طرق مختلف کوشیده و شاید به همین دلیل، در اساطیر سراسر دنیا، یافتن «اکسیر حیات» این همه برجسته شده است. نکته مهم درباره «اکسیر حیات» این است که این معجون شفابخش و جاودان‌ساز از چشمه‌ای می‌جوشد که مکان آن در

«ظلمات» است. به عبارتی دیگر، رمز جاودانگی برای انسان فانی، رفتن با چراغ در دل تاریکی هاست.

برخی از چهره‌های برجسته در طول تاریخ با کنش‌های اثرگذاری که بر روند سرنوشت جامعه خود داشته‌اند، توانسته‌اند نام خود را برای همیشه در تاریخ جاودانه سازند. یکی از آن شخصیت‌های مهم و اثرگذار در طول دوران چهل و دو ساله انقلاب اسلامی در ایران، بی‌شک سردار شهید قاسم سلیمانی است. محبوبیت این چهره فرامرزی و ستایش‌برانگیز در بدرقه تاریخی و کم‌سابقه او در شهرهای مختلف عراق و ایران به وضوح قابل مشاهده بود تا آنجا که طیف‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در آن واقعه کم‌نظیر، در سوگ فراقش اشک ماتم ریختند. از وزیر سابق دوران پهلوی تا جناح‌های گوناگون سیاسی هیچ یک نتوانستند در برابر عظمت این مرد سر تعظیم فرو نیاورند و او را مدح نگویند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است کدام ویژگی این سردار رشید باعث محبوبیت بی‌مرز و حد او در بین مردم شد؟ نخبگی در نظامی‌گری، نبوغ فرماندهی، شکست داعش، این غول نظام استکباری؟ همه اینها قطعاً در شکل‌گیری این قهرمان اسطوره‌ای مؤثر بوده اما شاید مهم‌ترین ویژگی او آن سرمایه اجتماعی‌ای بود که سردار دل‌ها در دوره زندگی‌اش، نه فقط برای خود بلکه برای کشورش و در یک کلام برای تمام آزادیخواهان جهان تولید کرد. مرز برای او معنایی نداشت. برای مبارزه با تاریکی‌ها و دفاع از مردم بی‌دفاع، مرزها، این دست‌ساخته‌های امپریالیسم جهانی، نمی‌توانستند او را محدود کنند: صبح در تهران، ظهر در عراق، عصر در سوریه و شب در لبنان بود.

این چنین جهان‌وطنی را فقط در شخصیت قهرمان اسطوره‌ای می‌توان یافت. او نمونه مطلق خیر است، پایبند به پیمان، مردم‌مدار، پاکدامن، امانتدار، مدافع مصلحت‌های جامعه، مطیع رهبر و دین، نگاهبان مرزهای سرزمینی، گسترش‌گر عدل و داد و یاری‌دهنده ستمدیدگان. او در میان نبرد بی‌ظنیر و خارق‌العاده، زیرک و بامهارت است و به تنهایی حریف یک لشکر. کدام یک از این ویژگی‌ها را در سلیمانی شهید به حد اعلا نمی‌توان یافت؟ از میدان نبردش نگوییم که در میانه میدان منطقه چطور خواب را از چشمان تمام مزدوران نظام سلطه گرفته بود. سیل که آمد خود را به خوزستان رساند تا در کنار مردم باشد زیرا میدان نبرد برایش آن روز کمک به مردم سیل‌زده بود و کیست که نداند سرمایه اجتماعی او چه کمکی به پیشبرد یاری‌رسانی به مردم در منطقه نکرد. مردم او را ستایش می‌کردند زیرا آنها فرق سردار مردمی و سیاستمدار این‌الوقت را به‌خوبی تشخیص می‌دهند. او قائل به خط‌کشی‌های مرسوم در جامعه نبود: آدم‌های من، رفقای من، مریدهای من، باحجاب و بی‌حجاب، چپ و راست، اصلاح‌طلب و اصولگرا برای او معنایی نداشت. او همه را زیر چتر جامعه می‌دید و جامعه را چون افراد منسجم یک خانواده متنوع و متکثر می‌پنداشت. او برای همیشه در تاریخ «جاودانه» شد زیرا «اکسیر حیات» را در میانه میدان نبرد علیه تاریکی‌ها و نامردمی‌ها جست. روحش شاد. یادش گرامی.

ایران

ویژه  
اولین  
سالگرد  
شهادت



۱۱

دی‌ماه  
۱۳۹۹